



همایش بین‌المللی نقش و جایگاه عربی نویسان و عربی سرایان ایرانی در رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی، شیراز، دانشگاه شیراز، مهرماه ۱۳۹۶

کد مقاله: apib95\_farsP146T5

## تلاقی تمدن ایرانی - اسلامی؛ خوانش تحلیلی - تاریخی اثر بخشی ادبی مرکز علمی جندی شاپور

آزاده منتظری، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم.

Azade.montazeri@yahoo.com

احمد محمدی نژاد پاشاکی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد.

A.mohamadi.np@gmail.com

### چکیده

جندی شاپور از مهم‌ترین مراکز علمی بین‌المللی بوده که نقش بسزایی در توسعه تمدن اسلامی ایفا کرده است. تاسیس این مرکز علمی به اوایل دولت ساسانی و شاپور اول بر می‌گردد و با روی کار آمدن انوشیروان به اوج شکوفایی خود رسید. پس از حمله اعراب به ایران، جندی شاپور از ادامه فعالیت باز نایستاد و توانست از پرتو وجود خود جهان اسلام را برخوردار سازد. این پژوهش با تکیه بر روش تحلیلی تاریخی به اثر بخشی ادبی دانشگاه جندی شاپور بر تمدن اسلامی پرداخته که از آن میان می‌توان به تربیت دانش‌آموختگانی در حوزه ادبیات همچون دعبل خزاعی و ابن هانئ خوزستانی از شعرای شیعی بنام عرب و مهم‌تر از همه تاسیس بیت الحکمه بغداد - نهاد تمدن اسلامی - و درخشش مترجمان و ادبای مشهوری چون ابن مقفع و سهل بن هارون اشاره داشت که در دوره عباسی از مترجمان بنام بیت الحکمه به شمار می‌آمد.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، جندی شاپور، بیت الحکمه، ادبیات، ترجمه.



### مقدمه

تمدن نوپای اسلامی در پی برخورد و تلاقی با فرهنگ‌های جدیدی که در حوزه قلمرو اسلامی ورود یافتند توانست از چنان غنایی برخوردار گردد که آثار آن تا قرون متمادی مرزهای جغرافیایی را در هم نوردید و تا اروپا نیز امتداد یافت و در این میان تاثیر فرهنگ و تمدن کهن ایرانی بر کسی پوشیده نیست. دانشگاه جندی شاپور یکی از مهم‌ترین نمادهای فرهنگ گرانسنگ ایرانی نقش ارزشمندی در روند تکوین تمدن اسلامی ایفا کرد که این تاثیر در دوره عباسی به جهت نفوذ شدید نژاد ایرانی در حوزه سیاست و حکومت و... بیشتر و بیشتر به چشم می‌خورد تا جایی که یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین مراکز علمی جهان اسلام (بیت الحکمه) به تاسی از جندی شاپور به توقیفات بسیاری نائل آمد که آن را شهره آفاق ساخت.

مجاورت جندی شاپور با عراق خصوصا بغداد که در آن روزگار مرکز خلافت عباسی به شمار می‌آمد موجب شد تا بدون تردید گروهی از فرهنگ و ادب دوستان ایرانی و عرب تبار از پرتو فیوضات دانشگاه جندی شاپور برخوردار شوند و از آموخته‌های خود در جهت خدمت به ادبیات و فرهنگ و تمدن اسلامی بهره بر گیرند که از خیل کثیر مشتاقان آن دوران، نام‌هایی چون ابن مقفع، دعبل خزاعی و ابی هانی خوزستانی (ابونواس) و سهل بن هارون بر تارک ادبیات عربی می‌درخشد.

این پژوهش با تکیه بر روش تحلیلی - تاریخی به تاثیر پذیری ادبی تمدن اسلامی از جندی شاپور می‌پردازد که تاسیس بیت الحکمه و ترجمه آثار مختلف از فرهنگ‌های غیر عربی و نیز نقش جندی شاپور در تربیت تعدادی از شخصیت‌های برجسته در حوزه شعر و ادب از آن جمله است و از آنجا که تاثیر پذیری بیت الحکمه و فرهنگ و تمدن اسلامی از جندی شاپور در ابعاد مختلف علمی و... قابل بررسی است اما جستار حاضر با بررسی تاثیرگذاری ادبی جندی شاپور، در پی یافتن پاسخی در خور برای سوالات ذیل بر می‌آید:

۱. دانشگاه جندی شاپور به لحاظ ادبی چه تاثیری بر تمدن اسلامی از

خود بر جای گذاشت؟

۲. چه عواملی موجبات شکوفایی و رونق بیت الحکمه را فراهم کرد؟



۳. دلایل انحطاط و سقوط نهایی بیت الحکمه چه بود؟

### ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی نوعی پژوهش بین رشته‌ای است که به مطالعه‌ی رابطه‌ی ادبیات ملت‌های مختلف با هم و بررسی رابطه‌ی ادبیات و هنرها و علوم انسانی می‌پردازد (نظری منظم، ۱۳۸۹: ۲۲۱) غنیمی هلال ضمن اینکه ادبیات را متنوع معرفی می‌کند به این نکته اشاره می‌کند که ادبای بیدار یک ملت باید آثار ارزشمند دیگران را در خود هضم کرده و آن را در سبکی نو بازسازی و در آفرینشی دیگر به مردم عرضه کنند (سامرایی، ۱۳۷۶: ۵۵۶)

پس از سقوط بنی امیه در سال ۱۳۲ هـ و روی کار آمدن دولت عباسی تحت حمایت‌های بی‌شائبه ایرانیان، نژاد ایرانی، در همه‌ی شئون خلافت نفوذ کردند و به ترویج علوم و فنون پرداختند. خلفا به ترجمه کتب بها دادند و تحت تاثیر محیط ایرانی قرار گرفتند (حقیقت، ۱۳۵۵: ۴۱۷-۴۱۸) شکی نیست که کوشش ایرانیان زمینه را برای جهش علمی در جامعه اسلامی فراهم کرد و با انتقال اندیشه‌های خود بر فرهنگ و ادب عربی بیش از فرهنگ دیگری تاثیر گذارند تا آنجا که همایی (همایی، ۱۳۷۰: ۲۰) می‌گوید: ایرانیان به فارسی فکر می‌کردند و به عربی می‌نوشتند. نفوذ فرهنگ و ادب ایرانی بر فرهنگ عربی چنان غالب بود که بسیاری از محققان از جمله جاحظ، بیرونی و ابن خلدون، دولت عباسی را دولت خراسانی و ساسانی نامیدند (محمدی، ۱۳۸۴: ۸۵) جرجی زیدان تاریخ نگار برجسته عربی، پس از سخنان مفصلی درباره تاثیر فرهنگ‌های بیگانه در ادب عربی می‌گوید: بیشتر این انتقال فرهنگی از اندیشه‌های یونانی، فارسی و هندی بود. با وجود این، یک عنصر مهم در اندیشه و فکر حاکم بر دوره عباسی برجستگی خاص دارد و آن عنصر فرهنگی ایرانیان است. (زیدان، ۱۹۸۳: ۱ / ۳۳۹)

یکی از این ادبا ابن مقفع است که با ترجمه کتب مشهور پهلوی به عربی، نقش بسزایی در انتقال اندیشه‌های ایرانی به عربی داشته است؛ تا آنجا که برخی بر این اعتقادند که یکی از علل پیدایش ادبیات تطبیقی، ترجمه کتاب کليلة و دمنه (از آثار ابن مقفع) است. (محبوب، ۱۳۴۹: ۲۰)



### از جندی شاپور تا بیت الحکمه بغداد

چهار حوزه علمی اسکندریه، انطاکیه، حران والرها و جندی شاپور تمدن یونانی و ایرانی را همچون زنجیری به فرهنگ اسلامی پیوند می‌دهند (خدابخش، ۱۹۶۵: ۱۵۸) پس از مرگ اسکندر ۳۲۳ ق. م. بلافاصله سردارانش بر سر تقسیم میراث غارتگری‌های او به نزاع برخاستند. حوزه انطاکیه هم که در سال ۲۷۰ دایر شد کم‌کم با باز شدن مدرسه جندی شاپور و مدرسه مشهور الرها (ادسا) به دست ایرانیان در ۳۶۳ م اهمیت این حوزه کاهش یافت. زمانی که تئودوسیوس مدرسه الرها و نصیبین را بست و زمانی که یوسنی نیانوس مدرسه آتن را تعطیل کرد دانشمندان به جندی شاپور پناه آوردند. (فانی، ۱۳۶۰: ۱۹) و رقیب انطاکیه در این دوران، جندی شاپور بود که اصل آن (وه اندوشاه پور) یعنی بهتر از انطاکیه شاهپور می‌باشد. در خصوص بنای جندی شاپور و نامگذاریش، این را نقل کرده اند که شاپور دختر فیلیپ را به زنی گرفت و برای او شهری مانند انطاکیه بنا نهاد و آن را گندی شاپور نام نهاد (ابن قفطی، ۱۳۴۷: ۸۳) ظاهراً آزادی علمی در ایران دوره ساسانیان بیش از آزادی در قلمرو بیزانس مسیحی بود مقارن ظهور اسلام نیز حوزه علمی جندی شاپور فعال‌ترین مرکز علمی بود و در واقع وجود این مرکز و فعالیت و نشاط فرهنگی و تجربه علمی مستمر آن بود که زمینه برپا شدن بیت الحکمه و حوزه علمی بغداد را فراهم آورد و تسهیل کرد.

دانشگاه جندی شاپور در زمان بنی امیه به دلیل تبعیض نژادی و نفوذ بیشتر علوم یونانی و رومی در دمشق به دلیل مجاورت آن با امپراطوری روم، نتوانست به مراکز دیگر نفوذ و سرایت کند و تاثیر گذاریش ضعیف بود ولی این مرکز علمی آغازگر دوره نهضت ترجمه گردید و در عصر عباسی تلاقی بین فرهنگ عربی و فارسی به رشد مراکز علمی همچون بیت الحکمه در بغداد منجر شد و به دلیل توجه خاص حاکمان عباسی به علم مخصوصاً مأمون و منصور و هارون الرشید، این مرکز جایگاه خود را باز یافت اما در نهایت به دلایلی که در ادامه ذکر خواهد شد به تدریج از اهمیت و اعتبار آن کاسته شد. (کجباف، ۱۳۸۴: ۱۶۷)

دانشگاه جندی شاپور در دوره عباسی تاثیر بسزایی در تاسیس و رونق علمی



بیت الحکمه بغداد از خود بر جای نهاد و «بنابراین در نتیجه برخی تغییرات محیطی و مخصوصاً کم شدن استعداد زمین و نیز تحولات انسانی یعنی سقوط حکومت ساسانی و ضعف و نابودی دولت در ایران و برعکس قدرت یابی مادی و معنوی اسلام و انتقال مرکزیت سیاسی، نظامی و فرهنگی به دمشق مخصوصاً به بغداد، شهر جندی شاپور و دانشگاه آن هر چند تا مدت‌ها برپا و استوار بود ولی چون فاقد پشتوانه‌های مالی و سیاسی اولیه گردید بنابراین رو به رکود رفته به مرور خواص علمی و دانشمندان آن به بغداد نقل مکان کردند.» (صرامی، ۱۳۸۴: ۹۱) که البته تاثیر عواملی همچون قرابت و نزدیکی جندی شاپور به مرکز خلافت عباسی (بغداد) و نیز نفوذ و تاثیر گذاری شدید ایرانیان در اداره حکومت عباسی را نیز باید بر عوامل فوق الذکر افزود.

بیت الحکمه در زمان هارون الرشید بنا نهاده شد و در عصر مامون به اوج شکوفایی علمی خود رسید. بیت الحکمه هم یک کتابخانه بود و هم مرکز ترجمه و هم مرکز پژوهش‌های علمی. در آنجا برخی به نسخه نویسی و استنساخ و برخی به کار ترجمه و گروهی به کار تحقیق اشتغال داشتند و در کنار ترجمه کار تالیف و پژوهش اصیل نیز جریان داشت (فانی، ۱۳۶۰: ۱۸). تسامح علمی مأمون و و علاقه وافر او به انتشار و گسترش روح علمی در بیت الحکمه او را بر آن داشت که فارغ از دین و کیش و آیین، خواص و دانشمندان ادیان دیگر غیر از اسلام را نیز در این حوزه به کار گیرد تا جایی که مثلاً گروهی از مسیحیان سریانی مسؤولیت نظارت بر عملکرد ترجمه در بیت الحکمه را بر عهده داشتند و نیز فلاسفه ادیان دیگر با مسلمانان در همه امور دینی با صراحت تمام به مناظره می‌پرداختند. (الأطرقجی، ۱۹۸۰: ۳۴۰). شایان ذکر است که علاقه مامون به میراث فرهنگ و کتب قدیمی ایرانی که سرمنشأ آن ایرانی الأصل بودن مادرش بوده در وام گیری او از جندی شاپور بسیار تاثیر گذار بوده است.

اهتمام و توجه مأمون به بیت الحکمه تا جایی بود که نخستین کسی بود که صراحتاً اعلام کرد که مخارج بیت الحکمه و حقوق کارکنان آن نباید از محل هدایا و توجهات خلفای عباسی تأمین شود بلکه بودجه ثابت و سخاوتمندانه‌ای برای آن در نظر گرفت و بی جهت نیست که در این دوره ترجمه شمار کثیری از میراث علمی یونانی به زبان عربی زبانزد عام و خاص شد و موجب گردید



۱۴۲ همایش بین‌المللی نقش و جایگاه عربی نویسان و عربی سرایان ایرانی در...، دانشگاه شیراز، مهر ۱۳۹۶

که عصر مأمون شکوفاترین دوره‌های تمدن اسلامی قلمداد شود و عصر اسلامی طلایی نام نهاده شود (همان: ۳۴۱)

پس از مأمون با به قدرت رسیدن دیگر خلفای عباسی بیت‌الحکمه مورد بی‌مهری قرار گرفت و از اهمیت و اعتبار آن کاسته شد و انوار درخشان آن رو به افول نهاد که عواملی همچون انتقال مرکز خلافت از بغداد به سامرا و نیز وقوع جنگ‌ها، فتنه‌ها و بلایای متعددی در بغداد در این میان دخیل بود. (همان: ۳۴۷). اما با همه این اوصاف بیت‌الحکمه خود را به سختی سرپا نگه داشت تا اینکه سرانجام به حمله مغول به بغداد در سال ۶۵۶هـ طومار آن در هم پیچیده شد و برخی از آثار آن در آتش و برخی دیگر در آب‌های دجله انداخته شد تا جایی که راه آب مسدود شد و برخی دیگر نیز نقل کرده‌اند که هلاکو از آن کتابها برای اسب‌های سپاه خود اصطبل‌ها و مکان‌هایی برای علوفه آن‌ها تدارک دید و به جای گل از آن کتاب‌ها استفاده کرد و این چنین بود که حمله خانمان برانداز مغول خط بطلانی بود بر همه تلاش‌ها و آثار دانشمندان و مترجمان مسلمان و غیر مسلمان که طی قرون از خود بر جای نهاده بودند.

اما در نظر پژوهشگران این جستار، اگر چه بیت‌الحکمه از بین رفت اما تاثیراتی که از خود بر جای نهاد همچنان قابل ملاحظه است که از آن میان می‌توان به تأسی و تقلید حکومت فاطمیین مصر و حکومت اندلس در دوره اسلامی از بیت‌الحکمه بغداد اشاره داشت که منجر شد مراکزی علمی مشابه بیت‌الحکمه و حتی با نام‌هایی در این حکومت‌ها تاسیس شود. (الأطرقجی، ۱۹۸۰: ۳۱۷) و نیز آثار آن تا بدانجا ادامه یافت که در نیمه دوم قرن بیستم میلادی یونسکو بخشی به نام بیت‌الحکمه در دفتر مرکزی خود در پاریس ایجاد کرد تا امور مربوط به فرهنگ و تمدن اسلامی را مدیریت نموده سامان بخشد. (نراقی، ۱۳۸۰: ۷۳)

ناگفته نماند که فضل بیت‌الحکمه و توفیقاتی که با خود به همراه داشت نهایتاً به یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های آن یعنی جندی شاپور بر می‌گردد که چنین زاده‌ی ارزشمندی از خود بر جای گذاشت..



### ابن مقفع (۱۴۲-۱۰۴هـ)

روزبه پسر دادویه، نویسنده نامدار ایرانی الاصل، در خانواده‌ای زرتشتی در روستای جور در حوالی شیراز کنونی، به دنیا آمد. (ضیف، ۱۴۲۶: ۵۰۷) وی پس از مسلمان شدن، به ابن مقفع شهرت یافت (آذرنوش، ۱۳۸۹: ۶۶۲-۶۶۷) درباره مذهب او اختلاف نظر وجود دارد. جاحظ می‌گوید: «ابن مقفع، مطیع ابن اباس و یحیی بن زیاد از لحاظ اعتقادات دینی مورد اتهام بودند» (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۵۶/۸) و گروهی نیز اسلام آوردنش را از روی مصلحت می‌دانند (زیات، بی‌تا: ۲۱۲). اما فارغ از دین ابن مقفع و اتهاماتی که در این خصوص متوجه وی شده اشاره به این مقال در این مقام زینده است که ابن سلام می‌گوید: شنیدم که مشایخ ما می‌گفتند: هیچ کس مانند خلیل بن احمد و ابن مقفع اقدام به جمع آوری فرهنگ و ادب نکرده است و زیرک تر از این دو، عرب و عجم به خود ندیده است (ضیف، ۱۴۲۷: ۱۱۱/۳)

این ادیب نامور دو دوره اموی و عباسی، آثار مشهوری در ترجمه دارد: از جمله کلیله و دمنه و دو کتاب ادب صغیر و ادب کبیر که از پرآوازه ترین آثار او در ترجمه هستند و همگی سرشار از پند و اندرز و سخنان حکیمانه و آموزه‌هایی از فرهنگ ایرانی و دینی می‌باشند. وی در آثارش نثر عربی را به بالاترین درجه ارتقاء داد وی در دو کتاب ادب صغیر و ادب کبیر از دو عامل عمده تاثیر پذیرفته است: یکی عصری که در آن زندگی کرده است و دیگری هنر نویسندگی آن دوران (علی بیگی، ۱۳۸۷: ۸۵)

تلاقی دو تمدن بزرگ آن روز ایران و هند، منجر به اقتباس و اخذ معارف از یکدیگر شد. در میان شاهان ساسانی انوشیروان به کسب علم، آن هم در محدوده دربار خود توجه داشت. معروفترین اقدام او در این زمینه اقتباس از علوم هندیان بود که به دست آمدن کتاب کلیله و دمنه انجامید. ابن مقفع کتاب کلیله و دمنه را از زبان پهلوی به زبان عربی ترجمه کرد و این کتاب، نخستین اثر این مترجم نامور ایرانی، در دوره حکومت عباسی به شمار می‌آید. (الأطرقچی، ۱۹۸۰: ۳۳۴). او همچنین اولین کسی بود که در عهد منصور در دولت عباسی کتاب کلیله و دمنه را به عربی برگرداند. (ابن ندیم، ۴۳۸: ۲۴۲؛ عمر فروخ، ۱۳۸۰: ۱۱۴) و بعد از ایشان سهل بن هارون که از



۱۴۴ همایش بین‌المللی نقش و جایگاه عربی نویسان و عربی سرایان ایرانی در...، دانشگاه شیراز، مهر ۱۳۹۶

علمای بیت‌الحکمه و شاعر، نویسنده بود به معارضه کلیله و دمنه، ثعله و عفره را نگاشت. (المهیری، ۱۹۶۴: ۱۹)

هانری ماسه، کلیله و دمنه را اولین شاهکار نثر در ادب عربی و نقش موثر آن را در زبان عربی همانند نقش «آمینو» (مترجم آثار پلوتارک و لنگوس) در ادبیات فرانسه می‌داند (صفاری، ۱۳۷۵: ۲۳) ابن مقفع اولین کسی است که در زبان عربی وحدت تالیف و تصنیف را پدید آورد. (فروخ، ۱۳۸۰: ۸۷) و بی سبب نیست که کتابهای کلیله و دمنه و ادب صغیر و کبیر به منزله‌ی نمونه‌ای عالی از نثر فنی عربی، برای آموزش در دبیرستانهای لبنان انتخاب شده اند (سامرایی، ۱۴۰۴: ۶)

ابن مقفع با کار ترجمه، هم توانست فضایل ایران قدیم را از خطر انقراض نجات دهد و هم اعراب را با شان و شوکت ایرانیان آشنا کند و با این کار توانست ایرانیان را در مقابل اعرابی که به حسب و نسب و خود می‌بالیدند یاری دهد. وی به قدری در این راه تلاش کرد که مهدی عباسی در مورد وی گفته: ما وجدت کتابَ زندقهٍ قط الا واصله ابن مقفع (ضیف، ۱۴۲۷: ۳/۵۰۹). واژه زندیق در اینجا به ایرانیان دلالت دارد و این مفهوم را می‌رساند که ابن مقفع اکثر کتاب‌های ایرانی را به عربی برگردانده است.

#### ابن هانی خوزستانی (ابونواس) (۱۴۰-۱۹۸هـ)

ابونواس شاعر ایرانی تبار از خطه اهواز که نه تنها از نوابغ شعرای عصر عباسی اول به شمار می‌آمد که آوازه اش تا دور دست ترین آفاق ادبیات عربی طنین انداخت تا جایی که در سراسر تاریخ ادبیات عربی کمتر شاعری را می‌توان یافت که به اندازه ابونواس مورد توجه نویسندگان و محققان قرار گرفته باشد. «ابعاد مختلف زندگی وی، اشعار دل‌انگیز و در اوج نبوغ و نوآوری‌های او در شعر، نکته‌گویی‌ها و حاضر جوابی‌های، روابط وی با درباریان و خلیفگان عباسی همه نویسندگان قدیم و جدید را به اظهار نظرهای سخت و ضد و نقیض درباره او واداشته است. آوازه او حتی از قلمرو تاریخ نیز فراتر رفته و شخصیت وی گاه در هاله‌ای از افسانه، از داستان‌های هزار و یک شب و اساطیر شمالی ترین سرزمین‌های آفریقا سر در آورده است.» (آذرنوش، ۱۳۶۷: ۱۶/۳۴۱)





ابن هانی از بزرگترین شعرای کلاسیک عربی و نیز از نخستین کسانی است که در اشعارش علیه شیوه رایج برشعر عربی قدیم برخاست و از پایه گذاران نوگرایی در شعر عربی قدیم به شمار آمد. ضمن اینکه سردمدار شعر خمیریات (اشعار می و مستی و میخانه) شد و برخی دیگر از شعرای بنام فارسی و عربی مانند حافظ، رودکی و ابن فارض پا جای پای او نهادند و شاهکارهای ادبی آفریدند. (منتظری، ۱۳۹۴: ۴ / ۷۷۵-۶۷۷)

### دعبل خزاعی (۱۴۸-۲۴۶هـ)

دعبل در سال ۱۴۸ هـ در کوفه در زمان امام صادق ع متولد شد موطن اصلی خاندانش کوفه و به قولی قرسیا (سوریه) بود نامش محمد و به قولی حسن بود، از دوران کودکی و نوجوانی وی خبری در دست نیست و شهرتش از زمان شاعری او شروع شده است او دوران چهار تن از ائمه شیعه یعنی امام صادق ع امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) را درک نمود و تا دوره زمامداری متوکل خلیفه عباسی ۲۴۷ ق زنده بود و خلافت مهدی، هارون، امین مامون، معتصم، واثق و متوکل را درک کرد. «دعبل شاعری هجوگوی و تندزبان بود، هیچ یک از خلفا و وزرا و فرزندان آنان و نیز افراد صاحب جاه و مقام، خواه در حق او نیکی کرده باشد یا نه، از زبان او در امان نبود (الحموی، ۱۳۸۱: ۵۵۰)

دعبل علاوه بر اینکه شاعری هجوگوی بوده از محبان اهل بیت ع به شمار می‌آمد. علت اصلی شهرت او به حب اهل بیت ع را باید در قصیده مدارس آیات او جستجو نمود. او مرثیه‌هایی سرشار از عاطفه صادق و گریه و زاری در سوگ امامان شیعه دارد که این روحیه حزن الود از اوزان و قافیه‌های لطیف و دلنشین قصایدش پیداست. از مشهورترین اشعارش می‌توان به قصیده تائیه او اشاره کرد که از زیباترین اشعار اوست. (الفاخوری، بی تا: ۷۳۹)

دعبل دانشمندی است که حدود ده نفر از ادیبان و دانشمندان از او روایت کرده اند. در کتاب «تأسیس شیعه» دعبل را یکی از بزرگان و علمای کلام و ادیبان و تاریخ شناسان توصیف کرده‌اند که در زمینه زبان شناسی، فصاحت و تاریخ اعراب ید طولایی داشته است. وی چهار کتاب تألیف کرده است. در دهها سال ایشار، مبارزه، شکیبایی، اختفا و ظهور (به صورت حمله و گریز به



۱۴۶ همایش بین‌المللی نقش و جایگاه عربی نویسان و عربی سرایان ایرانی در...، دانشگاه شیراز، مهر ۱۳۹۶

سلاح آتشین شعر) از این فرصت استفاده کرده و چهار کتاب تألیف کرده است. از جمله «الواحدة في المثالب العرب ومناقبها» که در آن، دعبیل سیاست قومی بنی امیه را نکوهش کرده است. (ولایتی، ۱۳۹۱: ۵۲) و کتاب دیگرش با نام طبقات الشعراء که از کتابهای پرارزش و از مآخذ مورد اعتماد در ادب و گزارش زندگی شاعران است. (امینی، ۱۳۶۲: ۲۶۶)

در روایات تاریخی آمده است که دعبیل خزاعی از دانش آموختگان جنیدی شاپور بوده (سایت الکترونی [hrazi.ajums.ac.ir](http://hrazi.ajums.ac.ir)) که بعدها در جرگه بنام شعرای بنام شیعه در آمد و زبان به مدح اهل بیت (ع) و هجو دشمنانشان گشود و با قلم و زبان خود شیعیان را یاری رساند و بر اساس اسناد تاریخی و نقل قول‌ها، به خاطر فعالیت‌های فرهنگی ارزشمند دعبیل امام رضا (ع) پیراهن خویش را به عنوان صله به وی داد.

مدفن دعبیل خزاعی شاعر معروف شیعه و مداح اهل بیت (ع) در زمان حکومت عباسیان در ۲۵ کیلومتری جنوب شهر دزفول واقع شده است. (سایت الکترونی [www.azarkish.com](http://www.azarkish.com))

### سهل بن هارون (۱۴۳-۲۱۵هـ)

ابو محمد سهل بن هارون ادیب، نویسنده و حکیم ایرانی الأصل بوده که درباره زادگاهش در منابع تاریخی اختلافاتی به چشم می‌خورد؛ برخی او را متولد دستمیسان یا میسان، روستایی بین بصره و واسط و اهواز، و برخی دیگر او را اهل نیشابور ایران می‌دانند که در قرن دوم و سوم هجری قمری می‌زیسته. او در همان عنوان جوانی به تحصیل علم و معرفت روی آورد و از طریق کتاب‌های ترجمه شده به زبان‌های فارسی، هندی و یونانی با فرهنگ‌های مختلف آشنایی یافت تا جایی که خود شروع به ترجمه برخی از نامه‌ها و کتب از زبان اصلی کرد و در این حوزه مهارت بسیار یافت.

طولی نکشید که یحیی برمکی وزیر ایرانی هارون الرشید او را به منصب دیوانی گماشت و همزمان با تاسیس بیت‌الحکمه توسط هارون الرشید مسوولیت نظارت بر ترجمه برخی از کتابها از زبانهای بیگانه به زبان عربی به وی واگذار شد در عین اینکه خود کتابهایی را نیز از زبان فارسی به زبان عربی



ترجمه می‌کرد. (ضیف، ۱۴۲۷: ۳/۵۲۷) و در دوره مأمون نیز ریاست بیت الحکمه را عهده دار شد. (التکریتی، ۱۳۵۸: ۲۰۳)

سهل بن هارون در زمان خود به حکمت و بلاغت چنان شهرت یافت که او را بزرگمهر اسلام نام نهادند (ضیف، ۱۴۲۷: ۳/۵۲۷). از او آثار متعددی بر جای مانده که از آن جمله کتاب «ثعله و عفره» است که آن را در معارضه با کلبله و دمنه ابن مقفع نگاشت. (المهیری، ۱۹۶۴: ۱/۱۹)

### نتیجه‌گیری

نتایج حاصله از این پژوهش عبارتند از:

دانشگاه جندی شاپور که از مهم‌ترین نمادهای فرهنگ و تمدن دیرینه ایرانی به شمار می‌آید نقش بسیار سازنده‌ای در تکوین تمدن اسلامی از خود ایفا کرده است که این تاثیر در دوره اموی به لحاظ سیاست تبعیض نژادی سردمداران حکومت ضعیف و در دوره عباسی به خصوص زمان خلافت هارون الرشید و مأمون عباسی به جهت نفوذ شدید ایرانیان در دربار خلافت عباسی و نیز مجاورت جندی شاپور با بغداد- مرکز خلافت عباسی- قوت گرفت که یکی از دستاوردهای آن، تاسیس بیت الحکمه در بغداد به تأسی از دانشگاه جندی شاپور بود که توسط تعدادی از دانش‌آموختگان ایرانی جندی شاپور مانند ابن مقفع، سهل بن هارون مدیریت و سیاست گذاری می‌شد و در این راستا گام‌های بزرگی در جهت ترجمه آثار علمی و ادبی فرهنگ‌های فارسی، یونانی و هندی و نیز تولید و نشر علم و ادبیات برداشته شد.

مجاورت بغداد، مرکز خلافت عباسی، با جندی شاپور انگیزه‌ای شد که خیل کثیری از مشتاقان علم و فرهنگ دوستان عرب و ایرانی تبار از پرتو فیوضات جندی شاپور برخوردار شوند و از آموخته‌های خود در آثار ادبی و علمی خود بهره جسته، شهرت یابند که در این میان شخصیت‌های برجسته‌ای به چشم می‌خورند همچون دعبل خزاعی (شاعر مشهور شیعه) که مقبره‌اش نیز در شهر شوش در نزدیکی دزفول واقع است و همچنین ابن هانی خوزستانی مشهور به ابونواس، شاعر و ادیب پرآوازه عصر عباسی اول که شهرتش تا دور دستهای شعر و ادبیات عربی طنین انداخت، سردمدار شعر خمیریات (اشعار



می و مستی و میخانه) شد و برخی از شعرای بنام فارسی و عربی مانند حافظ، رودکی و ابن فارض پا جای پای او نهادند و شاهکارهای ادبی آفریدند.

بیت‌الحکمه در زمان هارون الرشید بنا نهاده شد و در عصر مامون به اوج شکوفایی علمی خود رسید. تسامح علمی مأمون و و علاقه وافر او به انتشار و گسترش روح علمی در بیت‌الحکمه او را بر آن داشت که فارغ از دین و کیش و آیین، خواص و دانشمندان ادیان دیگر غیر از اسلام را نیز در این حوزه به کار گیرد. همچنین علاقه مامون به میراث فرهنگ و کتب قدیمی ایرانی که سرمنشأ آن ایرانی‌الأصل بودن مادرش بوده در وام‌گیری او از جندی شاپور بسیار تاثیرگذار بوده است. در این میان، عواملی همچون تامین مالی مترجمان و دانشمندان بیت‌الحکمه و تعیین بودجه مالی مستقل برای آنان از سوی مأمون و نیز مجاورت جندی شاپور با بیت‌الحکمه بغداد موجب نقل و انتقال تعداد کثیری از دانشمندان و خواص جندی شاپور به بیت‌الحکمه در رونق و شکوفایی بیت‌الحکمه تاثیر بسزایی داشته است.

پس از مأمون با به قدرت رسیدن دیگر خلفای عباسی، انتقال مرکز خلافت از بغداد به سامرا و نیز وقوع جنگ‌ها، فتنه‌ها و بلایای متعدد در بغداد از اهمیت و اعتبار بیت‌الحکمه کاسته شد تا اینکه سرانجام با حمله مغول به بغداد در سال ۶۵۶هـ طومار آن کاملاً در هم پیچیده شد و تمام آثار و دستاوردهای آن به کام مرگ فرو رفت و این چنین حمله خانمان برانداز مغول خط بطلانی بود بر همه تلاشها و آثار دانشمندان و مترجمان مسلمان و غیر مسلمان که طی قرون از خود بر جای نهاده بودند!!!

## مراجع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۶۸). **ابونواس**. دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ابن جوزی ابوالفرج. (۱۴۱۲). **المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم**. دراسة: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن قفطی. (۱۳۴۷). **تاریخ طبقات الاطباء و الحکماء**. به کوشش: دکتر بهمن دارائی. بی‌جا.
- ابن ندیم، محمد بن اسحق ابی یعقوب. (۴۳۸ هـ). **الفهرست**. القاهرة: مطبعة الاستقامة.
- الأطرقجي، رمزيه محمد. (۱۹۸۰). «بیت‌الحکمة البغدادی و اثره فی الحركة العلمیة». مجلة



- تلاقی تمدن ایرانی - اسلامی؛ خوانش تحلیلی - تاریخی اثر بخشی ادبی مرکز علمی جندی شاپور ۱۴۹
- المورخ العربي، العدد ۱۶ بغداد، صص ۳۱۷-۳۵۵.
- التکريتي، سليم طه. (۱۳۵۸). «بيت الحكمة في بغداد». المورد، شماره ۳۲، ص ۲۰۳.
- الحموي، ياقوت. (۱۳۸۱). معجم الادباء. ترجمه: عبدالمحمد آيتي. انتشارات سروش: تهران.
- الفاخوري، حنا. (بي تا). الجامع في تاريخ الادب العربي. دارالجيل: بيروت.
- المهيري، عبدالقادر. (۱۹۶۴). «كتاب النمر و الثعلب لسهل بن هارون». مجلة حوليات الجامعة التونسية، العدد ۱، ص ۱۹.
- امينی، عبدالحسين. (۱۳۶۲). الغدير، ترجمه: محمد باقر بهبودی. تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی.
- خدابخش، المورخ الهندي. (۱۹۶۵). الحضارة الاسلامية. ترجمه: علی حسين الخربوطلي. القاهرة: دار احياء الكتب العربية.
- سامرايي، ابراهيم. (۱۳۷۶). زبان شناسی تطبیقی. مترجم: سيد حسين سيدی. چاپ اول. سبزوار: انتشارات دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- صرامی، حسين، (۱۳۸۴). «افت و افول جندی شاپور». دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۲، صص ۸۹-۹۸.
- صفاری، کوكب. (۱۳۷۵). افسانه ها و داستان های ایرانی در ادبیات انگلیسی. دانشگاه تهران.
- ضیف، شوقي. (۱۴۲۶). تاريخ الادب العربي العصر العباسي الاول. العراق: منشورات ذوي القربي.
- فانی، کامران. (۱۳۶۰). «بيت الحكمة و دار الترجمة». نشر دانش، شماره ۷. صص ۱۸-۲۹.
- محبوب، محمد جعفر. (۱۳۴۹). درباره کلیلہ و دمنه. چاپ دوم. تهران: انتشارات خوارزمی.
- منتظري، آزاده، محمد، خاقاني. (۱۳۹۴). «القضايا الأخلاقية الاجتماعية؛ دراسة مقارنة في نماذج من شعر أبي نواس و حافظ الشيرازي». مجلة اللغة العربية و آدابها، السنة ۱۱، العدد ۴. ۶۷۷-۷۷۵.
- نراقی، احسان، لقمان سرمدی. (۱۳۸۰). «گزارشی از بيت الحكمة در یونسکو». کتاب های اسلامی، شماره ۶، صص ۷۳-۸۸.
- ولایتی، علی اکبر. (۱۳۹۱). دعبل خزاعی. تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی. وابسته به انتشارات امیرکبیر.
- کجباف، علی اکبر. (۱۳۸۴). «جندی شاپور در فرایند دولت ساسانی و تعامل آن با



۱۵۰ همایش بین‌المللی نقش و جایگاه عربی نویسان و عربی سرایان ایرانی در... دانشگاه شیراز، مهر ۱۳۹۶

تمدن اسلامی». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران

اهواز، شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۶۸.

-[http://hrazi.ajums.ac.ir/HomePage.aspx?TabID=15916&Site=hrazi.](http://hrazi.ajums.ac.ir/HomePage.aspx?TabID=15916&Site=hrazi.ajums.ac&Lang=fa-IR)

[ajums.ac&Lang=fa-IR](http://hrazi.ajums.ac&Lang=fa-IR)

-<http://www.azarkish.com/?p=1505>



همایش بین‌المللی نقش و جایگاه عربی نویسان و عربی سرایان ایرانی در رشد و شکوفایی فرهنگی و تمدن اسلامی، شیراز، دانشگاه شیراز، مهرماه ۱۳۹۶

کد مقاله: apib95\_farsP148T2

## بررسی نقش عربی نویسان ایرانی در شکوفایی و گسترش عربی در ایران از فتح اسلامی تا سقوط بغداد

نیکتا میرزایی کارشناس ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم  
niktamirzaiy@yahoo.com

### چکیده

در این پژوهش همان‌طور که از عنوان آن پیداست با روش توصیفی تحلیلی درباره بررسی نقش عربی نویسان ایرانی در شکوفایی و گسترش عربی در ایران از فتح اسلامی تا سقوط بغداد تحقیق شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نفوذ و رواج زبان تازی در میان ایرانیان پس از اسلام و نبوغ بسیاری از ایرانیان در زبان عرب، و در فرهنگ اسلامی که به زبان عرب در آمده است، چیزی نیست که از دیده کسی که اندک آشنایی به فرهنگ دوران اسلامی در یکی از دو زبان تازی و فارسی داشته باشد، پوشیده بماند. هرکس که درباره تاریخ ادبیات زبان عرب یا تاریخ فرهنگ ایران پس از اسلام بحث کرده، به گونه‌ای به این مسأله اشاره کرده است. خدمت ایرانیان به فرهنگ اسلامی و سهم آنان در آن و همچنین تأثیری که زبان تازی در میان ایرانیان و در پدیده‌های گوناگون زندگی از سیاست، علم و ادب بر نوشته‌های رسمی و زبان فارسی نهاده است مورد توجه و غیر قابل انکار می‌باشد. انگیزه توجه ایرانیان به ادبیات عربی و تلاش در جهت شکوفایی آن را می‌توان به علت اهمیت قرآن و دین اسلام در میان ایرانیان و روحیه دانش‌طلبی و دانش دوستی آنان بیان نمود. لذا در نظر ایرانیان، زبان عربی زبان اسلام و قرآن و زبان تفاهم ملل و اقوام مختلف اسلامی، فهم و درک قرآن بود؛ از این رو تلاش گسترده‌ای در راه تدوین و تنظیم قواعد زبان عربی و توسعه و تحول آن داشتند.

واژگان کلیدی: ایرانیان، عربی نویسان، شکوفایی و گسترش عربی، ادبیات عرب، فتح اسلامی، سقوط بغداد.